

**Predigt zum Sonntag Sexagesimä, 8.2.2026,  
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK)  
Pfr. i.R. Gerhard Triebe**

**2. Korinther 3,6:**

دوم قرن تیان ۳:۶

خدا ما را شایسته ساخته است تا خادمانِ عهدِ جدید باشیم؛ نه خادمانِ حرف، بلکه خادمانِ روح. زیرا حرف می‌گشود، اما روح زنده می‌سازد

،ای جماعت عزیز

چهارده روز پیش در اینجا از یک عبورِ بنیادین از مرزها سخن گفتم؛ عبوری که با انجیلِ عیسی مسیح همراه است. پایهٔ موعظهٔ من داستانِ فرماندهٔ رومی، گرنیلیوس، بود که همراه با تمام خانواده‌اش به ایمان به عیسی مسیح رسید (اعمال رسولان ۲۱: ۱۰-۳۵). لوقا با این داستان، این عبور از مرزها را به روشنی نشان می‌دهد. در وهلهٔ نخست، سخن از عبوری است که در تاریخِ نجات رخ می‌دهد؛ یعنی گذار از رویِ آوریِ خدا که پیش‌تر تنها متوجه یهودیان بود، به سوی همهٔ ملت‌ها. برای تحقق این امر، رسول پطرس در این روایت ناچار بود دلبستگیِ درونیِ خود به احکامِ طهارت و قوانینِ خوراکیِ عهدِ عتیق را کنار بگذارد، تا اصلاً بتواند وارد خانهٔ یک غیر یهودی شود و با او مشارکت و هم‌نشینی داشته باشد. برای ممکن ساختنِ این عبور از مرز، خدا خود وارد عمل شد: او به واسطهٔ روح‌القدس، هم به پطرس و هم به آن فرماندهٔ رومی بینشی تازه عطا کرد. در این فرآیند، خودِ خدا نیز از مرزهایی فراتر رفت که برای پطرس آشنا و پذیرفته بودند. او اجازه نمی‌دهد در دیوارهای فرهنگی، دینی یا اجتماعی محصور شود. تنها به این شکل بود که مسیحیت توانست نه صرفاً یک فرقهٔ یهودی باقی بماند، بلکه به یک دینِ جهانی تبدیل شود

سپس این عبور از مرز را به بحثِ کلیسایی ما دربارهٔ دسترسی زنان به خدمتِ کشیشی مرتبط کردم. در این زمینه، از این دیدگاه دفاع کرده بودم که باید همانند پطرس در آن موقعیت، از تصورات به‌ارث‌رسیده و کهنهٔ خود فراتر برویم و راه ورود زنان به خدمتِ شبانی را بگشاییم. در مورد عبور از مرز در تاریخِ نجات، می‌توان با حق و دلیل گفت که این امر از پیش در عهدِ عتیق نهاده شده است. من بر این باورم که می‌توان همین سخن را دربارهٔ تواناییِ شهادت‌دهی و خدمتِ بشارتیِ زنان نیز گفت. در این زمینه نیز، پیش از آن‌که عیسی زنان را در حلقهٔ گسترده‌ترِ شاگردانِ خود بپذیرد و آنان را به نخستین شاهدانِ رستاخیز خویش تبدیل کند، در عهدِ عتیق نمونه‌هایی وجود دارد. من توضیح داده بودم که خودم برای مدت‌های طولانی احساس می‌کردم به گفته‌های کتاب مقدس پای‌بند هستم که به نظر می‌رسید دست‌گذاریِ زنان را منتفی می‌دانند. نقطهٔ دگرگونیِ زمانی فرا رسید که دریافتم کلیسای نخستین تا چه اندازه و در چه گستره‌ای از احکام بنیادی و مقدس عهدِ عتیق فاصله گرفته بود

این موضوع واکنش‌هایی را در میان جماعت برانگیخت. و از آن‌جا که در این یکشنبه موضوع بر سر گوش سپردن به کلام خداست، می‌خواهم امروز بار دیگر این مسئله را به شکلی بنیادی‌تر بررسی کنم. زیرا در نهایت، سخن بر سر این پرسش است: کتاب مقدس چگونه به‌درستی فهمیده می‌شود؟ چه چیزی برای همهٔ زمان‌ها معتبر و الزام‌آور است، و چه چیزی وابسته به شرایطِ زمانه است؟

کارشناسان دربارهٔ این موضوع کتاب‌های مفصل نوشته‌اند، زیرا این پرسش‌ها را نمی‌توان با یک جمله پاسخ داد و همچنین پاسخ دادن به آن‌ها در یک موعظه ساده نیست. با این حال، می‌توان گفت که اساساً هر چیزی که دربارهٔ خدا و عیسی مسیح گفته می‌شود، تغییرناپذیر است. زیرا از طریق فهم و دانش شخصی خود نمی‌توانیم دربارهٔ خدا سخن بگوییم. ما همواره کاملاً وابسته‌ایم به آنچه خدا خود از طریق کلامش در کتاب مقدس دربارهٔ خویش به ما می‌گوید

موضوع در مورد پرسش‌های اخلاقی متفاوت است. و در این زمینه، شاید هیچ جمله‌ای از عهد جدید به اندازهٔ این جمله تحریک‌آمیز نباشد: «حرف می‌کشد، اما روح زنده می‌سازد.» زیرا در اینجا رسول پاولوس از هیچ «حرف» معمولی‌ای سخن نمی‌گوید؛ نه از بوروکراسی و نه از نظم و ترتیب کلیسا، بلکه از خود کتاب مقدس، و به طور دقیق‌تر: از شریعت موسی. پاولوس جرأت می‌کند شریعتی را که خود خدا به اسرائیل داده است، «کشنده» بنامد – نه به این دلیل که بد یا نادرست باشد، بلکه به این دلیل که به عنوان راهی برای نجات به اشتباه فهمیده شده است. در همین نقطه است که پاولوس به حساس‌ترین بخش فهم کتاب مقدس به روش لوتری دست می‌زند – و همچنین به بحث‌های کلیسایی امروز ما مرتبط می‌شود

در ارتباط با کلام کتاب مقدس ما، پاولوس به‌صراحت از عهد عتیق، از شریعت، سخن می‌گوید که «با حروفی بر سنگ حک شده بود» (آیهٔ ۷). منظور، احکام موسی است که به اسرائیل راهی به سوی زندگی نشان می‌داد. مطابق آنچه در کتاب لاوی آمده است: «کسی که آنها را عمل کند، به واسطهٔ آنها زندگی خواهد کرد.»

مسئله خود شریعت نیست. پاولوس در جای دیگری به‌صراحت می‌گوید: «پس شریعت مقدس است و حکم نیز مقدس، عادلانه و نیکوست.» مشکل جای دیگری است: شریعت زندگی را وعده می‌دهد به شرطی که آن را به‌طور کامل اجرا کنیم. و همین جاست که انسان دچار شکست می‌شود

بنابراین «حرف» نمی‌کشد چون بد است، بلکه چون انسان را زیر شرطی قرار می‌دهد که هیچ‌کس نمی‌تواند، آن را کامل برآورد. کسی که شریعت را به‌طور لفظی به عنوان راه نجات بپذیرد، ناچار تحت حکم: گناهکار شکست‌خورده و هلاک قرار می‌گیرد

پاولوس این موضوع را صریح و شدید توصیف می‌کند: شریعت شناخت گناه را می‌آورد، اما قدرت اجرای آن را نه. شریعت را آشکار می‌کند – و محکوم می‌کند، دقیقاً به این دلیل که نیکوست. در اینجا به جوهرهٔ الهیات مارتین لوتر می‌رسیم. برای لوتر، گفتهٔ پاولوس یک نظر حاشیه‌ای نیست، بلکه کلید انجیل است. او در درسنامهٔ خود بر نامهٔ غلاطیان می‌گوید: «شریعت آنچه را می‌خواهد که ما قادر به انجامش نیستیم؛ انجیل آنچه شریعت می‌خواهد، می‌بخشد.» شریعت – یا همان «حرف» – دقیقاً همان کاری را می‌کند که پاولوس بیان کرده است: آن می‌کشد، زیرا انسان را از هر توهمی مبنی بر این که می‌تواند به نیروی خود زندگی کند و مورد قبول خدا باشد، محروم می‌سازد. شریعت انسان را به ناامیدی از خود می‌کشاند – و دقیقاً در همین امر، هدف الهی خود را برآورده می‌کند. نکتهٔ اساسی این است: برای لوتر، شریعت بخش نادرست کتاب مقدس نیست، بلکه بخشی ضروری است. اما نباید آن را به عنوان معیار نهایی فهمید. برای او، آنچه «در تفسیر مهم است این است که «آیا انسان را به مسیح می‌رساند یا خیر

یعنی: جایی که کتاب مقدس به گونه‌ای خوانده شود که بر اساس توانایی‌های انسانی، شرایط قابل اجرا یا توجیه دینی خودساخته استوار باشد، مرگ‌آور خواهد بود. اما جایی که به مسیح اشاره کند – به آنچه خدا

بدون هیچ پیش‌شرطی می‌بخشد - زنده‌بخش خواهد بود. روح زنده می‌کند، زیرا انسان را از زیر شریعت به سوی مسیح هدایت می‌نماید.

حال اگر کسی تصور کند که روح در برابر کتاب مقدس قرار می‌گیرد، این یک سوءتفاهم لوتری خواهد بود. پاولوس چنین کاری نمی‌کند، لوتر چنین کاری نمی‌کند و فهم لوتری از کتاب مقدس هم چنین کاری نمی‌کند. روح شریعت را از میان بر نمی‌دارد، بلکه آن را محقق می‌سازد، و انسان را از منطق خودتوجیهی به اعتماد به خدا می‌رساند. روح زنده می‌کند، زیرا انسان را زیر بخشش انجیل قرار می‌دهد، نه زیر شرایط جدید. الهی‌دان لوتری، اوسوالد بایر، این را چنین خلاصه می‌کند: «روح‌القدس اضافی بر کتاب مقدس نیست، بلکه همان است که در کتاب مقدس مسیح را به ما می‌رساند».

روح حروف را نسبی نمی‌کند، بلکه آن‌ها را درست تفسیر می‌کند. و تفسیر درست یعنی: تمایز بین شریعت و انجیل. جایی که این تمایز وجود ندارد، حتی انجیل هم به شریعت تبدیل می‌شود - و می‌کشد. و این ما را به جوهره فهم لوتری از کتاب مقدس می‌رساند:

کتاب مقدس یک دفترچه قوانین برای رسیدن به نجات نیست. بلکه شهادت بر این است که خدا انسان را بدون هیچ شرطی نجات می‌دهد. هر چیزی در کتاب مقدس که به گونه‌ای شبیه یک شرط به نظر برسد، باید بر این اساس خوانده شود، وگرنه حرف دوباره کشنده خواهد شد. این بدان معنا نیست که هر چیزی قابل انتخاب است، اما به این معنی است که هیچ فرمان کتاب مقدسی نباید به عنوان شرط نجات مطرح شود. نه صریح و نه ضمنی.

حال دوباره به مسئله حق زنان برای خدمت کشیشی برمی‌گردم. برخی متون عهد جدید - مانند اول تیموتائوس ۲ («به زنی اجازه نمی‌دهم آموزش دهد») یا اول قرنطیان ۱۴ («زن در جماعت سکوت کند») اغلب به طور لفظی خوانده می‌شوند، گویی دستوری بی‌زمان و ثابت هستند: زنان نباید آموزش دهند، رهبری کنند یا موعظه عمومی داشته باشند. اما پرسش کلیدی از دیدگاه لوتری در ابتدا این نیست که: «آیا این چنین در کتاب مقدس آمده است؟» بلکه این است که: «این گفته چه نقشی دارد در پرتو شریعت و انجیل؟» اگر چنین متونی به گونه‌ای خوانده شوند که مرزهایی برای دعوت الهی تعیین کنند و این مرزها در نهایت به شرط خدمت روحانی تبدیل شوند، آن‌ها عملاً نقش شریعت را ایفا می‌کنند: یعنی می‌گویند چه کسی می‌تواند و چه کسی نمی‌تواند. و این حکم را مستقل از دعوت، استعداد و تعمیم صادر می‌کنند.

با این کار - حتی اگر ناخواسته باشد - یک معیار مرتبط با نجات معرفی می‌شود: جنسیت به عنوان دلیل محرومیت. در همین جاست که حرف کشنده می‌شود؛ نه به این دلیل که متن اشتباه باشد، بلکه به این دلیل که در برابر انجیل به کار گرفته می‌شود. زیرا انجیل چنین شرطی نمی‌شناسد. خود پاولوس می‌نویسد: «در اینجا نه مردی هست و نه زنی؛ زیرا همه شما در مسیح عیسی یکی هستید.» از دیدگاه لوتری، این به معنای از بین رفتن تفاوت‌ها نیست، اما به این معناست که هیچ تفاوتی نباید به محرومیت از خدمت انجیل منجر شود.

روح زنده می‌کند، زیرا کتاب مقدس را از نگاه نجات و رستگاری تفسیر می‌کند.

نه این که: چه کسی کدام دستور را اجرا می‌کند؟ بلکه: کجا مسیح شهادت داده می‌شود؟ کجا آزادی عطا می‌شود؟ کجا یک دستور به خدمت انجیل است - و کجا شروع می‌کند به پوشاندن آن؟

، به همین دلیل بسیاری از کلیساهای لوتری تصمیم به اعطای حق کشیشی به زنان گرفته‌اند. - نه علی‌رغم بلکه بر اساس فهمشان از کتاب مقدس. نه به این دلیل که حرف بی‌اهمیت است، بلکه به این دلیل که فهمیده‌اند: اگر برخی گفته‌های کتاب مقدس به گونه‌ای خوانده شوند که انسان‌ها را از خدمت به انجیل محروم سازد، آن‌ها در معنای پاولوس به شریعت تبدیل می‌شوند - و می‌کشند

، ای جماعت عزیز

پاولوس نمی‌گوید: «حرف از رده خارج شده است.» بلکه می‌گوید: حرف باید از نگاه مسیح فهمیده شود و به سوی او تفسیر گردد. حرف نباید داور نهایی باشد. عهد جدید، که پاولوس خود را خادم آن می‌داند، بر این اساس زندگی می‌کند که خدا خود آنچه را می‌طلبد انجام می‌دهد. روح زنده می‌کند، زیرا ما را از منطق «اگر آنگاه» آزاد می‌سازد. مسیح قانون‌گذار نیست، بلکه میانجی عهد جدید است. در هر جشن عشای ربانی، این کلمه درباره «عهد جدید» به ما یادآوری می‌شود: «این خون عهدنامه جدید است.» در آنجا نیازی به رعایت پیش‌شرط‌ها نیست؛ ما همان‌طور که هستیم پذیرفته می‌شویم. ایمان ما در آنجا تقویت می‌شود و با وجود همه تفاوت‌ها، با یکدیگر پیوند می‌یابیم. در آنجا نیرو می‌گیریم تا مسیر مسیحی خود را ادامه دهیم. به این ترتیب، حرف زنده می‌شود و ما «نامه مسیح» می‌شویم، همان‌طور که پاولوس در همین زمینه می‌گوید آنگاه ممنوعان ما می‌توانند ببینند که خدا چگونه خلقت خود را آفریده است - زیرا ما در شعارهای تحریک‌آمیز هم‌صدا نمی‌شویم، بلکه صبور، مهربان، فهمیده و آرام باقی می‌مانیم. ما امید داریم که در توانایی‌های خودمان تمام نمی‌شود و با شجاعت و اعتماد به کار ادامه می‌دهیم، حتی اگر بدانیم که با این کار دنیا را نجات نخواهیم داد. محبت خدا در زندگی ما و در جامعه ما نوشته شده است

جایی که عیسی مسیح در مرکز قرار دارد، کتاب مقدس زنده می‌شود. در آن هنگام، ما را زنده می‌کند و برانگیخته می‌سازد تا مطابق اراده خدا سخن بگوییم و عمل کنیم. جایی که مسیح پوشانده می‌شود - حتی توسط حروف ظاهراً مقدس - آنجا کتاب مقدس کشته می‌شود. اما این کار وظیفه اصلی آن نیست. در واقع، همان‌طور که رسول پاولوس می‌گوید، هدف کتاب مقدس هدایت ما به سوی زندگی ابدی است، و آن هم از طریق ایمان به عیسی مسیح. پیروی از او به این معناست که بر اساس اراده آشکار شده خدا، همواره برای هر زمان و موقعیتی تشخیص دهیم چه چیزی اکنون برای ما مهم و مطابق محبت اوست. آمین